



چهار انقلاب حوزه زبان‌شناسی

مروری بر آراء نوام چامسکی و دیگران زبان‌شناسان

چند زبانی به عنوان یک فرصت!

درس گفتار دکتر نعمت‌الله فاضلی

زبان؛ منزلت و قدرت در ایران

معرفی کتابی در حوزه زبان‌شناسی در ایران

فهرست مطالب

۴



خاستگاه زبان
انسان شناسی زبان چیست؟

۶



نظریات حوزه انسان شناسی زبان
نوام چامسکی / ادوار ساپیر

۸



رویکردهای مختلف به حوزه
زبان شناسی

۱۲



زبان و اندیشه
تاثیر زبان بر فرهنگ

۱۳



چند زبانی به عنوان یک فرصت!
درس گفتار دکتر نعمت الله فاضلی

۱۰



چهار انقلاب حوزه زبان شناسی
دکتر محمد دبیرمقدم

۱۶



معرفی کتاب
زبان، منزلت و قدرت در ایران

زبان و نقش اجتماعی
مرورری بر موضوعات مرتبط

زبان
منزلت
وقدرت
در ایران



دانش؛ نشریه انسان شناسی زبان
سال اول، شماره اول، تیرماه ۱۳۹۳

ویژه نامه تحقیق درس انسان شناسی
دکتر نعمت الله فاضلی، نیمسال اول
تحصیلی ۹۳-۹۲

سر دبیر و محقق:
علی سلیمانی

باتشکر از:
دکتر نعمت الله فاضلی، دکتر محمد
دبیرمقدم، نسرين سيدنژاد، زهرا سادات
قاضي طباطبائي

رایانامه سر دبیر:
a.soleymany@gmail.com

دانش بهانه‌ای است برای نگاهی آسان تر
به حوزه انسان شناسی

دانش منتظر پیشنهادات و انتقادات شما
می باشد

نشریه دانش

تحقیق درس انسان شناسی زبان

سر مقاله



به دنیای انسان شناسی زبان
خوش آمدید!

به نام آن که رخصت سخن گفتن به بندگان خود آموخت...
در نیمسال تحصیلی گذشته در کلاس انسان شناسی دکتر نعمت الله فاضلی حضور
داشته و بنا بر این بود تا در آخر در کنار ارائه سمینار، یک خروجی از حوزه مورد مطالعه
خود داشته باشیم.

حوزه انسان شناسی بسیار گسترده است، از انسان شناسی هنر گرفته تا انسان شناسی
دین و آنچه حوزه مورد مطالعه ما قرار دارد، انسان شناسی زبان است.

شیرینی و اهمیت این بحث برای خودم که در ابتدا هیچ ذهنیت و آشنایی با آن
نداشتم باعث شد که به این فکر بیفتم که به جای نوشتن یک مقاله سعی کنم معرفی
مختصر و مفیدی از حوزه انسان شناسی زبان داشته و به ابعاد آن و مباحثی که در آن
 مطرح می شود اشاره کنم تا هرکسی بتواند از آن استفاده کند و باب آشنایی با دنیای
انسان شناسی زبان باز شود!

دانش، مقدمه‌ای است برای هرکس که می خواهد به دنیای انسان شناسی زبان وارد
شود و در صورت علاقه، با جدیت و مطالعه بیشتر ادامه دهد.

در ابتدا به معرفی رشته انسان شناسی زبان پرداخته و نظریات مختلفی از دانشمندان
بزرگ این حوزه مانند چامسکی، بوآس، ساپیر و... بیان شده است. تاثیر زبان بر
فرهنگ و اندیشه و اشاره به برخی سرفصل های مهم زبان شناسی مانند موضوع
قومیت، جنسیت و منزلت اجتماعی از دیگر مباحث این ویژه نامه است.

امیدوارم که بتوانیم در این ویژه نامه شما را با انسان شناسی زبان آشنا کرده و
موضوعات مرتبط را بیان کنیم.

علی سلیمانی
سر دبیر نشریه دانش
سال سوم معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات
دانشجوی کلاس زبان شناسی دکتر فاضلی

انسان شناسی زبان چیست؟

زبان سیستمی که ما را قادر می‌سازد تا علاقه‌ها عقاید و ادراک‌مان را با نشانه‌ها توجیه کنیم، به طوری که دیگران بتوانند آن‌ها را بفهمند. در حقیقت زبان وسیله‌ای است برای انتقال پیام‌های برانگیخته شده در ذهن ما به یک ذهن دیگر. هم‌چنین زبان به ما این توانایی را می‌دهد که فرهنگ‌مان را به نسل‌های بعدی منتقل کنیم. از سویی زبان نقش مهمی در شکل‌گیری فرهنگ دارند، از این رو زبان و فرهنگ یک رابطه‌ی متقابل و متکامل دارند.

مطالعه زبان از دیرباز مورد توجه بشر بوده و در میان ملل مختلف مطرح بوده است. اما زبان شناسی به مفهوم امروز کلمه، از قرن هجدهم و نوزدهم آغاز گردیده و در طول کمتر از دو قرن ابعاد گسترده‌ای یافته و جنبه علمی‌تری به خود گرفته است. زبان شناسی جدید، علمی است که با بهره‌گیری از نظریات و روش‌های علمی و دقیق به بررسی و توصیف زبان می‌پردازد. به عبارت دیگر زبان شناسی، علم مطالعه و توصیف زبان با استفاده از روش‌های علمی و دقیق است. انسان شناسان زبان را در زمینه‌ی اجتماعی و فرهنگی بررسی می‌کنند.

انسان شناسی زبان شناختی علاقه ویژه انسان شناسی را به مقایسه تنوع و دگرگونی زبان‌های انسانی، نشان می‌دهد. برخی از انسان شناسان زبان شناس، زبان‌های باستانی را با نمونه‌های امروزی آن مقایسه می‌کنند و از این طریق به کشف‌های تاریخی می‌رسند. برخی دیگر از آن‌ها به بررسی تفاوت‌های زبانی می‌پردازند تا جهان‌بینی‌های گوناگون و الگوهای اندیشه را در انواع فرهنگ‌های بشری کشف کنند.

انسان شناسی زبان

به دنبال چه سوالی است؟

مطالعه انسان شناسی زبان به دنبال رسیدن به جواب سوالات متعددی است که می‌توان به برخی از آن‌ها اشاره کرد. گفتار چگونه تفاوت‌های اجتماعی را بازتاب می‌کند؟ نقش زبان در استعمار و گسترش اقتصاد جهانی چیست؟ زبان چگونه می‌تواند بر ادراک و اندیشه انسان تأثیر گذار باشد؟ آیا زبان تأثیر بر فرهنگ دارد یا این فرهنگ است که تنها تأثیرگذار است؟ رابطه زبان با موضوعاتی مانند قدرت و طبقه‌های اجتماعی چیست؟ آیا تفاوت زبان‌ها باعث کاهش ادراک ما از یکدیگر می‌شود؟

این‌ها برخی سوالاتی است که ذهن انسان شناسان زبان و هر محقق که علاقه مطالعه در این حوزه دارد را درگیر می‌کند.

سوالات ما در این ویژه‌نامه علاوه بر این سوالات به دنبال این است که انسان شناسانی که در این حوزه کار کرده‌اند چه کسانی بوده و چه چیزی باعث د تا به این حوزه گرایش پیدا کنند. هدف و آرمان انسان شناسان زبان چیست و سیر و روند تاریخی مطالعات این حوزه چگونه بوده است.

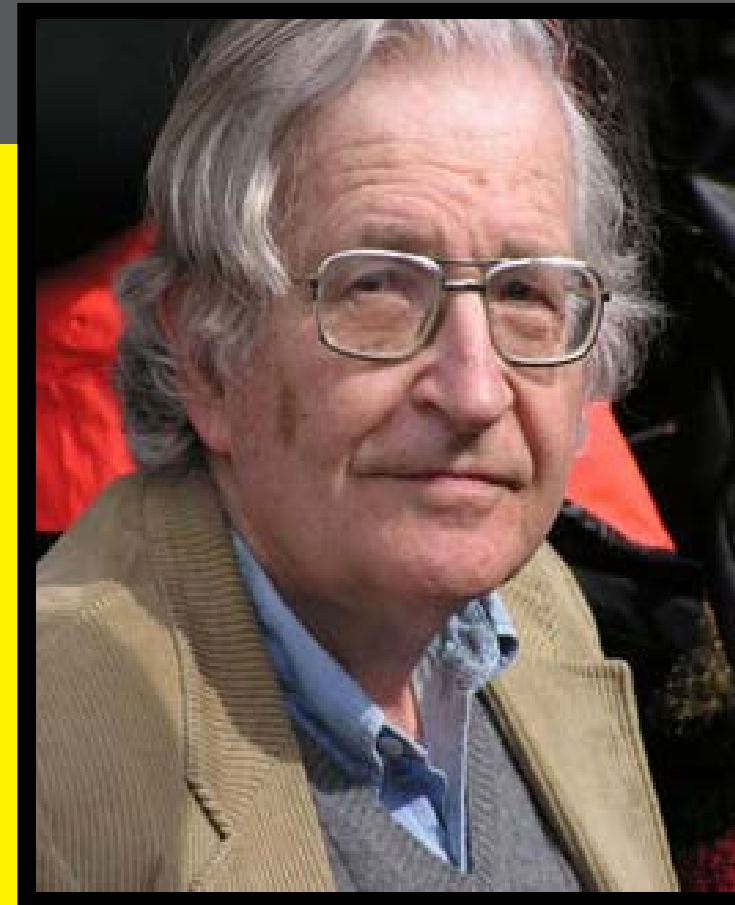
خاستگاه زبان

کنراد فیلیپ کتاک این نظر را دارد که زبان در یک لحظه تاریخی و به صورت معجزه آسا پیدا نشده است. بلکه صدها هزار سال طول کشیده تا نیاکان ما توانستند نظام‌های ندایی‌شان را به تدریج تحول بخشند و آن را به زبان تغییر شکل دهند. زبان اجازه می‌دهد که اطلاعات ذخیره شده در یک جامعه بشری چندان افزایش یابد که هیچ گروه غیر انسانی به گرد آن نرسد. چرا که زبان وسیله مؤثر و بی‌همتایی برای یاد دادن است. از این رو تطبیق در میان انسان‌ها بسیار سریعتر از نخستی‌های دیگر رخ می‌دهد، زیرا وسایل تطبیقی ما انعطاف پذیر ترند. کتاک، ص ۴۴۷

زبان انسانی زبانی باز است و تعداد پیامهایی که با این زبان می‌توان انتقال داد، نامحدود است. در واقع انسان‌ها می‌توانند پیام‌های کاملاً تازه‌ای را پیوسته ایجاد کنند و جمله‌هایی را به کار برند که در گذشته هرگز به زبان آورده نشده باشد. بیتس و پلاگ، ص ۴۲۹

نظریات حوزه

انسان شناسی زبان



نوام چامسکی

نوام چامسکی (۱۹۵۵) استدلال کرده است که مغز یک رشته قواعد محدود برای سازماندهی زبان دارد و به همین خاطر، همه‌ی زبان‌ها پایه ساختاری مشترکی دارند؛ چامسکی این رشته قواعد را دستور جهانی نامیده است. چامسکی به عنوان یکی از تأثیرگذارترین افراد حوزه زبان شناسی نیازمند بررسی بیشتر و دقیق تری است. توضیحات زیر بخشی از مقاله نسرین سید نژاد در پایگاه انسان شناسی و فرهنگ است:

نوام چامسکی به عنوان زبان شناسی که امروزه شهرت جهانی دارد و در عرصه‌های ریاضیات، فلسفه و سیاست صاحب نظر است، کتاب ساختارهای نحوی خود را در سال ۱۹۵۷ منتشر ساخت. این کتاب برای اولین بار مهم ترین و انسجام یافته ترین نظریه‌ی زبانی را که در تاریخ زبان شناسی به وجود آمده بود، یعنی دستور زایشی گشتاری را به جهانیان معرفی کرد. استدلال چامسکی بر این است که اگر دستور زبان بتواند از عهده‌ی توصیف واقعیت‌های زبانی برآید و بتواند رابطه‌ی بین جمله‌های زبان را توجیه کند، باید به کشف روابط نهفته که در زیربنای جمله‌های عینی وجود دارد توجه کند.

گرایش سریع به سوی چامسکی در سال‌های ۱۹۶۰ تا حدی به دلایل تاریخی بوده. در سال‌های ۱۹۵۰ زبان شناسی به خصوص در آمریکا در حالت رکود به سر می‌برد و دامنه‌ی فعالیت‌هایش محدود شده بود.

وقتی چامسکی وارد صحنه شد، زبان شناسی برای پذیرش ایده‌های جدید آمادگی کامل داشت. سهمی که چامسکی به دانش زبان شناسی بخشید، از دو جنبه قابل بررسی بود:

- ۱) اهدافی که نظریه‌ی زبان شناسی به طرف آن جهت گیری کرده بود را به پرمسمن کشید و وظایف تازه‌ای را برای دستور مشخص کرد
- ۲) شکلی که دستور باید به خود بگیرد را مشخص کرد و نام آن را دستور گشتاری نهاد.

اصل دستور گشتاری بر خلق جملات فراوان از تعداد محدودی قانون و لغت قرار دارد. مفاهیم اصلی در نظریه‌ی قواعد گشتاری عبارتند از: دستور، قواعد سازه‌ای، گشتار، ژرف ساخت، روساخت، توانش زبانی، کنش زبانی، شم زبانی.

ادوار ساپیر

ادوار ساپیر یکی دیگر از دانشمندان صاحب نظر در حوزه زبان شناسی می‌باشد. در این جا خلاصه‌ای از مقاله خانم زهرا سادات قاضی طباطبایی که به آرائ و نظرات ساپیر پرداخته شده است، اشاره می‌شود:

هنگامی که ادوارد ساپیر برای نخستین بار در حین مطالعات انسان شناختی‌اش به زبان شناسی نزدیک شد، دیدگاهش در خصوص زبان به گونه‌ای بود که نه تنها در مطالعات فرهنگی بلکه در دامنه‌ی وسیعی از علوم انسانی در نظر گرفته می‌شود. از جمله روان شناسی، جامعه شناسی و فلسفه. او زبان را به عنوان یک محصول فرهنگی تلقی کرده و علم زبان شناسی را به عنوان یک امکان مفید جهت مطالعه‌ی علمی جامعه در نظر می‌گیرد.

ساپیر، زبان را به مثابه‌ی امری کاملاً انسانی و غیر غریزی توصیف می‌کند که شامل سیستمی قراردادی از نمادهای آوایی قراردادی بوده و به شکل ارادی نیز تولید می‌شوند. بنابراین، نه تنها سیستم‌های ارتباطی حیوانات از



تعریف او از زبان مستثنی می‌شوند بلکه هر طرز گفتاری انسانی که نمادین یا اختیاری نباشد نیز شامل می‌شود، برای مثال گریه‌های غریزی. یک عامل گفتاری می‌تواند یک مفهوم یا روابط درون و میان مفاهیم را بازنمایی کند. مفهوم، حاصل انتزاعی تجربیات فردی بسیار زیادی است که در ویژگی‌های اساسی شان به شکل مشابه و یا حتی همسان ادراک می‌شوند. برای مثال، اگر واژه «خانه» را بشنویم، ممکن است در ذهنمان نمونه‌ی اولیه‌ی مشخصی داشته باشیم مثلاً چهار دیوار سنگی، یک در چوبی، پنجره‌های شیشه‌ای و سقف سفالی، اما به یک خانه‌ی مشخصی که یکبار دیدیم، فکر نمی‌کنیم چرا که «خانه» نمادی برای یک مفهوم است، مقوله‌ای که شامل پایه‌های اساسی محدودی است: دیوارها و سقفی که برای انسان‌ها جهت زندگی مناسب است. همین موارد برای چیزهای انتزاعی مثل ایده‌ها، احساس‌ها و هیجانات نیز شامل می‌شود. همانطور که ساپیر می‌نویسد:

«جهان تجربیاتمان بایستی تا حد فوق العاده زیادی ساده و تعمیم یافته شود، قبل از اینکه مجموعه‌ای نمادین از همه تجربه‌هایمان از اشیاء و روابط ایجاد و ممکن است و این مجموعه قبل از نظراتمان را بتوانیم منتقل کنیم، ضروری بنظر می‌رسد». (ساپیر ۱۹۲۱:۱۲).

این همان چیزی است که زبان برایمان انجام می‌دهد. زبان جهان را برایمان متصور می‌کند و مقولاتی را که بدان‌ها می‌اندیشیم، برایمان فراهم می‌کند. همانطور که هر زبان ساختار متفاوتی دارد، هر زبان نیز طبقه بندی خودش را از جهان اطراف دیکته می‌کند. تفاوت‌ها ممکن است هر چیزی از موارد حاشیه‌ای تا اساسی باشد. هر زبان شیوه‌ی خاص خودش را برای طبقه بندی واقعیت و تقسیم جهان به مقولات مختلف دارد اما آنچه مهم است این است که:

«همه زبان‌ها بالفعل یا بالقوه، برای انجام عملکردهای بیانی و نمادینی نهاده شده‌اند که زبان برای آن‌ها مناسب است. شیوه‌ی تفصیلی این عملکرد، راز هر زبان است». (ساپیر ۱۹۴۹:۱۵۵)

رویکردهای مختلف حوزه زبان شناسی

اشاره

دانشمندان حوزه زبان شناسی از منظرهای مختلف به این موضوع نگاه کرده و نظرات خود را بیان می‌کنند.

در این جا به سه رویکرد اجتماعی، تاریخی و توصیفی در زبان شناسی اشاره کرده و نظرات و آراء این دانشمندان را از نظر می‌گذرانیم.

زبان شناسی اجتماعی

زبان شناسان اجتماعی گوناگونی گفتار و دگرگونی زبانی را در جهان کنونی بررسی می‌کنند. زبان شناسی تاریخی با دگرگونی های درازمدت تر سر و کار دارد. زبان شناسان تاریخی با بررسی زبان های هم‌ریشه کنونی، می‌توانند بسیاری از ویژگی های زبان های گذشته را بازسازی کنند. این زبان ها از یک خانواده زبانی سرچشمه می‌گیرند که صدها و حتی هزاران سال به گونه ای جدا از هم دگرگونی پذیرفته اند. آن زبان اصلی که زبان های هم‌ریشه از آن سرچشمه گرفته اند، زبان مادر نامیده می‌شود. برای نمونه زبان های رومیایی همچون فرانسوی و اسپانیایی، زبان های هم‌ریشه ای اند که از زبان مادر و مشترک لاتینی سرچشمه گرفته اند. زبان های آلمانی، انگلیسی، هلندی، اسکاندیناویایی، زبان های هم‌ریشه از مادر زبان ژرمانی اند. زبان های رومیایی و ژرمانی، همگی به خانواده زبانی هند و اروپایی تعلق دارند. (کناک، ص ۴۶۲)

زبان با گذشت زمان دگرگون می‌شود. زبان تکامل می‌پذیرد، یعنی تغییر می‌پذیرد، گسترش می‌یابد و در خرده گروه های زبانی (زبان هایی که در چهارچوب رده ای از زبان های بسیار نزدیک به هم قرار دارند) انشعاب می‌پذیرد. لهجه‌های یک خانواده زبانی به زبان‌های هم‌ریشه متمایز تبدیل می‌شوند، به ویژه اگر از یکدیگر جدا شده باشند. برخی از این زبان ها از خانواده اصلی جدا می‌شوند و «زبان های هم‌ریشه»



تازه‌ای را پدید می‌آورند. حتی اگر مردم در سرزمین نیاکانی شان هم باقی بمانند، الگوهای گفتاری شان دگرگون می‌شوند. گفتاری را که در سرزمین نیاکانی تکامل می‌یابد، باید به عنوان یک زبان هم‌ریشه در کنار زبان های هم‌ریشه دیگر در نظر گرفت. (کناک، ص ۴۶۲)

زبان شناسی تاریخی درست در مقابل زبانشناسی توصیفی قرار می‌گیرد، یعنی ادامه روابط میان اشکال اولیه و بعدی یک زبان در زمان‌های تاریخی برای رشد زبان‌های جدید و جواب سوالات راجع به روابط میان زبان‌های قدیمی است. جدالی بین زبان شناسی تاریخی و توصیفی وجود ندارد، زیرا هر روش به طور مستقل عمل کرده و شناخته شده اند. باید به این نکته توجه داشته باشیم که حتی یک زبان جدید دائم در حال تغییر است و بر طبق اصولی تغییر می‌یابد که می‌تواند به طور تاریخی به وجود آمده باشد. (عسکری و شریف، ص ۲۸۷)

زبان شناسی تاریخی

زبان در اجرا (آنچه که آدم ها در عمل به زبان می‌آورند) موضوع مورد علاقه زبان شناسان اجتماعی است. رشته زبان شناسی اجتماعی روابط میان عوامل اجتماعی و زبان شناختی و یا زبان را در بافت اجتماعی آن، به بررسی می‌کشد.

زبانشناسی اجتماعی به بررسی رابطه متقابل متغیرهای اجتماعی و زبان اطلاق می‌شود. گروه‌های قومی و دیگر گروه‌های اجتماعی متمایز با ساخت یک اجتماع گفتاری یا گویش، که از جهت واژگان، تلفظ و حتی دستور با زبان ملی تفاوت دارد، بر منحصر به فرد بودنشان تاکید می‌ورزند. گروه‌های دیگر ممکن است یک هویت اجتماعی را پیروارند و سعی کنند از طریق تفاوت در گفتار، خودشان را از بیگانگان متمایز سازند. زمینه یک

زبان شناسی توصیفی

زبان شناسی توصیفی در زمان حال تمرکز می‌یابد؛ مثلاً در راهی که فرانسه و اسپانیایی مدرن در حال حاضر عمل می‌کنند، یعنی به عنوان سیستم بسته و ثابت و بدون توجه به دلایل تاریخی برای رشدشان. کلمه لاتین ille (آن) هم منشأ فرانسه le (حرف تعریف) و هم اسپانیایی (حرف تعریف) است؛ ولی زبان شناسی توصیفی به این نکته توجه نمی‌کند و می‌گوید هر دو کلمه در زبان مدرن عمل می‌کنند و دیگر معنی اصلی آن یعنی ille (آن) مناسب نیست و بیشتر مردم نمیدانند با زبانی صحبت می‌کنند که از لاتین به وجود آمده و رشد یافته است. (عسکری و شریف، ص ۲۸۶)

موقعیت، یا رسمیت و یا عدم رسمیت و رابطه میان گویندگان، عاملی است که بر نحوه گزینش خطاب‌ها یا واژه‌ها و حتی زبان آن‌ها تأثیر می‌گذارد. منزلت اجتماعی نیز بر کاربرد زبان یک شخص تأثیر می‌گذارد؛ احتمال دارد که دگرگونی‌های تاریخی در تلفظ گروه‌های اجتماعی برای آن رخ داده باشد که این گروه‌ها پیوسته می‌کوشیده‌اند تا از نردبان اجتماعی زبانی بالا روند. نقش‌های جنسی نیز بر متغیرهای زبانی بی‌تأثیر نیستند. (بیتس و پلاگ، ص ۴۷۲)

زبان شناسان اجتماعی انکار نمی‌کنند که همه آدم‌هایی که به یک زبان معین صحبت می‌کنند قواعد بنیادی آن را می‌دانند. یک چنین زبان مشترکی پایه ارتباط متقابل و قابل فهم است. به هر روی، آن‌ها بر ویژگی‌هایی زبانی تأکید می‌گذارند که بر وفق جایگاه و موقعیت اجتماعی به گونه‌ای نظام‌دار تفاوت می‌پذیرند. زبان شناسان اجتماعی برای بررسی این تفاوت‌ها، باید کار میدانی انجام دهند. آن‌ها باید کاربرد متنوع زبان را در موقعیت‌های جهان واقعی مشاهده، توضیح و ارزیابی کنند. برای نشان دادن این امر که ویژگی‌های زبانی با تفاوت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی همبستگی دارند، آنها باید مختصات اجتماعی گویندگان را تعیین کنند و این مختصات را به گفتارشان مرتبط سازند. گوناگونی در چهارچوب زبان در یک زمان معین، پیوسته تابع دگرگونی تاریخی است. همان نیروهایی که به تدریج دگرگونی زبانی پهن دامنه ای را طی قرون پدید آورده اند، امروزه نیز در کارند. دگرگونی زبانی نه در یک خلأ بلکه در جامعه رخ می‌دهد. هرگاه شیوه های نوینی از سخت گفتن با عوامل اجتماعی همراه باشند، از آنها تقلید می‌شود و بدین سان گسترش می‌یابند. بدین شیوه، یک زبان دگرگون می‌شود. (کناک، ص ۴۵۶)

چهار انقلاب حوزه زبان شناسی

دکتر محمد دبیر مقدم
استاد دانشگاه



انقلاب اول

آنچه به عنوان شروع انقلاب اول در تاریخ زبانشناسی ثبت و ضبط شده، به ۱۷۸۶ باز می‌گردد و خطابه معروف حقوقدان انگلیسی، ویلیام جونز، که وقتی متون سانسکریت را با فارسی باستان و لاتین مقایسه کرد، شباهت‌های فراوانی بین این متون یافت و معتقد شد که این زبان‌ها از یک منشا واحدی که زبان هند و اروپایی مادر است، سرچشمه گرفته‌است. این شروع انقلاب اول در تاریخ زبانشناسی است.

متعاقب آن بحث سرنوشت زبان‌ها، خانواده زبان‌ها و اینکه این زبان‌ها از چند گروه سرچشمه گرفتند، شروع شد و این اولین انقلاب در تاریخ زبانشناسی ذیل عنوان «تاریخ‌گرایی» مطرح شده‌است. در این دوره نگاه زبان‌شناسان معطوف به تحولات تاریخی و به اصطلاح "در زمانی" بود و تبیین هر پدیده زبانی را با توجه به گذشته می‌دیدند.

سوسور و انقلاب دوم

انقلاب دوم در تاریخ زبانشناسی با آرای دو سوسور آغاز می‌شود. زبانشناسی سوسور واکنشی به تاریخ‌گرایی و انقلاب نخست بود. سوسور پایه‌گذار ساخت‌گرایی است. آنچه سوسور در این بحث مطرح می‌کرد، توجه به وضعیت هم‌زمانی است نه تبیین‌های تاریخی. اما جوهره بحث سوسور مبتنی بر مفهوم نشانه است.

نشانه از نظر سوسور واژه است و به یک معنا زبانشناسی سوسوری، واژه بنیاد است. او از دال و مدلول که دو بخش عمده نشانه هستند، صحبت می‌کند. سوسور زبان را نظامی از نشانه‌ها می‌داند. این منظر سوسور به مدت پنجاه سال زبانشناسی را تحت تأثیر خود قرار داده بود. عمده فعالیت‌های زبانشناسی در دوره ساخت‌گرایی که به نیمه اول قرن بیستم مربوط می‌شود به صرف یا ساخت‌واژه و نظام واجی و آوایی توجه داشت. البته در این دوره در مکتب پراگ زبانشناسی متن مطرح شد. پس طلایه‌ای از تحلیل گفتمان در مکتب پراگ دیده می‌شود. آن مکتب به نقش‌گرایی و کارکردگرایی اعتقاد داشت.

اما از این مکتب که بگذریم توجه طیف غالب آن دوره به واژه معطوف بود. در سنت ساخت‌گرایی امریکایی اصطلاح تحلیل گفتمان را، در سال ۱۹۵۲، هریس وضع کرد. انگیزه تحلیل گفتمان در آن دوران کاری صرفاً ساختاری و مکانیکی بود.

چامسکی و انقلاب سوم

در سال ۱۹۵۷ سومین انقلاب در تاریخ زبانشناسی رخ می‌دهد که با آرا و افکار چامسکی مطرح می‌شود. انقلاب او از این نظر در خور توجه است که او زبانشناسی را نحو - بنیاد کرد و جمله را واحد مطالعه برای زبانشناسی قرار داد. بنابراین زبانشناسی یک سیر تکوینی را طی کرد. منظر غالب چامسکی از ۱۹۵۷ تا امروز در امریکای شمالی و رویکرد آن به نام زبانشناسی زایشی، تفکر غالب است. این یکی از پارادایم‌های مطرح در زبانشناسی امروز است.

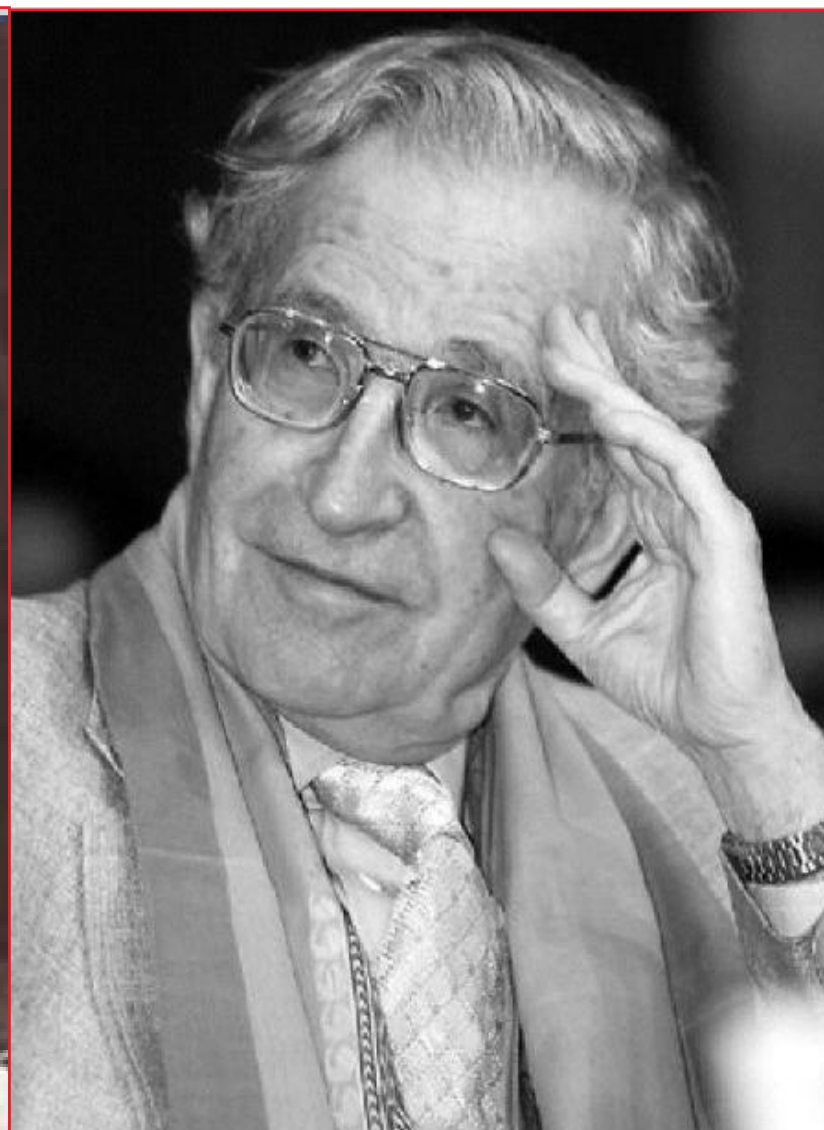
این رویکرد اولاً در سطح جمله باقی مانده‌است و به سطح فراجمله نمی‌رود و ثانیاً به تفکر عقل‌گرایی دکارتی معتقد است. یعنی بخشی از دانش زبانی ما در بدو تولد با ما به عرصه جهان می‌آید. پس معتقد است برخی از ویژگی‌های زبان، ذاتی است. اما از حدود دهه شصت میلادی کسانی منطری را مطرح کردند که انقلاب چهارم در زبانشناسی شده‌است. آنها تفکر پراگی‌ها را احیا کردند که پارادایم رقیب زبانشناسی چامسکی است. اگر چامسکی به جمله بنیادی و منظر فلسفی عقل‌گرایی دکارتی معتقد است، این رویکرد چهارم رویکردی کارکردگرا و نقش‌گراست که معتقد است واحد مطالعه زبان باید گفتمان باشد.

بنابراین این رویکرد به لحاظ فلسفی، تجربه‌گراست و معتقد است آنچه بالا قرار می‌گیرد، بافت است. این رویکرد، زبانشناسی را با جامعه‌شناسی عجین می‌داند. اما رویکرد چامسکی زبانشناسی را با روانشناسی و نهایتاً زیست‌شناسی مأنوس می‌شمارد. بنابراین دو پارادایم زبانشناسی امروز به این دو خلاصه می‌شود.

سطوح معنایی در انقلاب چهارم

رویکرد آخر این است که در انگاره ساخته شده، بافت بالاترین است. بافت عبارت از چیزی است که بر یک شرایط گفتمانی محیط است یعنی بافت غیرزبانی و بازنمایی بافت را در سه سطح معنایی در زبان بررسی می‌کند. پس این مدل از بافت شروع می‌کند. بافت تصویری است که از جهان برمی‌داریم و ملکه ذهن ما می‌شود. وقتی این مفهوم قرار است که تبدیل به مفاهیم زبانی شود، صحبت از چهار فرانش به میان می‌آید. پس این فرانش‌ها در واقع معناشناسی گفتمان بنیاد هستند.

این رویکرد می‌گوید هر جمله‌ای که متعلق به یک متن است حتی اگر ساده باشد، هم‌زمان سه لایه معنایی را



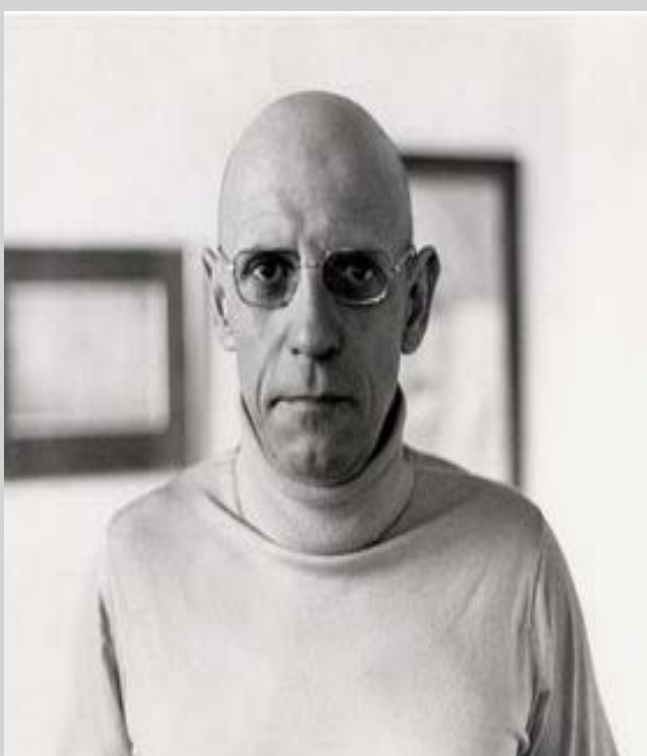
بر دوش خود حمل می‌کند: محتوا گزاره‌ای (درمورد چه چیزی صحبت می‌شود)، بیان این محتوا به چه صورتی تعامل برقرار می‌شود؛ لایه معنایی سوم این است که این جمله به عنوان سازه یک متن، چقدر به تشکیل متنیت کمک می‌کند.

این رویکرد و این انقلاب چهارم به زبان نگاهی گفتمان بنیاد دارد و هرگز جمله را به عنوان یک واحد مستقل بررسی نمی‌کند و همیشه در متن بررسی می‌کند. درست است که به عنوان نمونه اعلا و متعارف، واحد زبانی متن است اما این رویکرد معتقد است که حتی یک واژه هم می‌تواند متن باشد. یعنی متن اندازه مشخصی ندارد.

در این سال‌ها سازوکارهای زبانی تشکیل متن، بسیار در زبانشناسی کاویده شده‌است. تحلیل گفتمان به سازوکارهای زبانی تشکیل متن می‌پردازد و این که چه ابزارهایی به جمله‌های زبان متنیت می‌بخشند.

فوکو خوانش دیگری را از بحث متن مطرح کرد. او معتقد بود که زبان‌شناسان تاکنون از ابزارهای زبان‌شناختی تشکیل متن صحبت کرده‌اند اما به خدمت گرفتن این ابزارها به طور کامل باعث می‌شود به لایه‌های معنایی دست یابیم اما لایه‌های معنایی دیگری هم در این متن هست که تاکنون از چشم آنها دور مانده‌است.

این نظر فوکو به رویکردی در درون تحلیل گفتمان با عنوان CDA، زبانشناسی گفتمان انتقادی یا تحلیل گفتمان انتقادی مطرح شد. فوکو معتقد بود هیچ متنی عاری از القائات ارزشی، روابط قدرت و مولفه‌های فرهنگی نیست. اگر قرار است متنی تفسیر بشود ما باید درصدد یافتن این لایه‌های معنایی نیز باشیم.



درس گفتاری در باب اهمیت حفظ تنوع زبانی و تلاش انسان شناسان در این زمینه

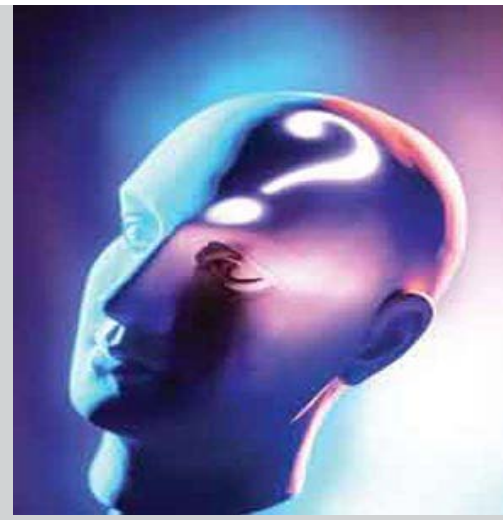
چند زبانی

به عنوان یک فرصت!

دکتر نعمت الله فاضلی

متن پیش رو درس گفتاری است از کلاس درس استاد نعمت الله فاضلی در کلاس انسان شناسی دانشگاه امام صادق علیه السلام در نیم سال تحصیلی ۹۳-۹۲

اشاره به رابطه بین قدرت و زبان، مزیت‌های تنوع زبانی و اهمیت زبان در حوزه‌های مختلف به عنوان ذخیره تاریخی یک ملت، از جمله مهمترین مباحث مطرح شده در کلاس بوده که شرح مختصری از آن از دید شما خواننده گرامی می‌گذرد.



تأثیر زبان بر فرهنگ

شاید زبان بیشتر از آن که منعکس کننده فراگردهای فرهنگی باشد، در واقع قالب دهنده ی این فراگردهاست. به اعتقاد ادوارد ساپیر، یکی از نخستین زبانشناسانی که استدلال می‌کند انسان‌های به نوعی زندانی زبانشان هستند، نظر ما در بار واقعیت، نسخه خلاصه شده‌ای از جهان است که زبان ما آن را ویرایش کرده است. انسانها در جوامع گوناگون واقعیت‌های متفاوتی را می‌بینند، زیرا به زبان‌های مختلف سخن می‌گویند و هر زبانی واقعیت را در قالب جداگانه‌ای قالب‌ریزی می‌کند.

زبان و

اندیشه

مسئله مورد علاقه انسان شناسی زبان در دهه ۱۹۳۰ این بود که آیا زبان ممکن است جای فرهنگ را تعیین کند؟ آیا ما در برابر دو رنگ آبی و سبز با نشانه‌های مختلف، فقط به این دلیل واکنش نشان می‌دهیم که زبان ما برای این دو رنگ همسایه دو نام مختلف دارد؟ هنگامی که انسان شناسان نشان دادند که در بعضی از فرهنگ‌ها این دو رنگ یعنی آبی و سبز یک کاسه شده و دارای یک نام هستند، تعجب دیگران برانگیخته شد. (عسکری و شریف، ص ۲۹۱)



زبان شناسان و انسان‌شناسان دیگر برداشت متفاوتی در رابطه زبان و اندیشه دارند. آنها به جای جستجوی ساختارها و فراگردهای زبانی جهانی، بر این باورند که زبان‌های متفاوت شیوه‌های تفکر متفاوتی را به بار می‌آورند. این موضع را فرضیه ساپیر و ورف می‌نامند، زیرا ادوارد ساپیر و شاگردش بنجامین لی ورف برجسته ترین هواداران این فرضیه بودند. این دو چنین استدلال کردند که مقولات دستوری زبان‌های متفاوت باعث می‌شوند که متکلمان این زبان‌ها به شیوه‌های متفاوتی درباره امور بیان‌دیشند. برای نمونه ضمیر سوم شخص مفرد در زبان انگلیسی جنسیت آدم‌ها را مشخص می‌سازد، حال آنکه در تعدادی از زبان‌ها چنین نیست. (کتاک، ص ۴۵۳)

نوآم چامسکی زبانشناس سرشناس استدلال کرده است که مغز یک رشته قواعد محدود برای سازماندهی زبان دارد و به همین خاطر همه زبان‌ها پایه ساختاری مشترکی دارند؛ چامسکی این رشته قواعد را دستور جهانی نامیده است. این واقعیت که انسان‌ها می‌توانند زبان‌های خارجی را یاد گیرند و واژه‌ها و اندیشه‌ها را می‌توان از زبانی به زبان دیگر برگرداند. این موضع چامسکی را تأیید می‌کند که همه انسان‌ها توانایی‌های زبانی و فراگردهای فکری همسانی دارند. (کتاک، ص ۴۵۲)

زبان و قدرت

فرانسوی ها در سال ۱۰۶۰ به بعد متوجه شدند که پس از افول زبان فرانسوی امپراطوری بزرگ فرانسوی با زوال روبرو شد.

در زمان رضا شاه تصور بر این بود که این زبان عربی است که باعث ضعیف شدن ملت و کشور می‌شود. پس از انقلاب گفتند عربی اشکال ندارد انگلیسی آن را کم کنید.

زبان قدرت می‌آورد. اگر دولتی بخواهد زبان را تحقیر کند و مورد فشار قرار دهد باعث اعتراض خواهد شد. احترام به زبان‌ها همان چیزی است که در قانون اساسی نیز به آن اشاره شده است.

الان باید برسیم چرا زبان مهم است چون زبان قدرت گروه‌ها و ملت‌ها است. زبان تنها ابزار تولید پیام نیست این را بدانید که زبان تولید قدرت می‌کند.

همه ملت‌ها بر اساس زبان تاریخی‌شان باید قدرت داشته باشند و در قانون اساسی آورده شده که آن‌ها حق دارند مطابق زبان خودشان بنویسند و یاد بگیرند.

چندزبانی یک فرصت است!

زبان نه تنها سرمایه معرفتی و گنجینه معرفت‌ها و تاریخ و هنر‌ها است. زبان در جهان امروز یک روش زیستن جمعی مدنی و زیستن جمعی همراه با مدارا است.

ملت‌ها وقتی تکثر فرهنگ و هنر داشته باشند، این تنوع زندگی را متکثر میکنند. زندگی را خلاق و دوست‌داشتنی‌تر و عواطف را اجازه نمی‌دهد یک دست بشوند. تنوع احساسات را داریم. زیبایی تکثر فرهنگی از سمت تکثر زبان‌ها است.

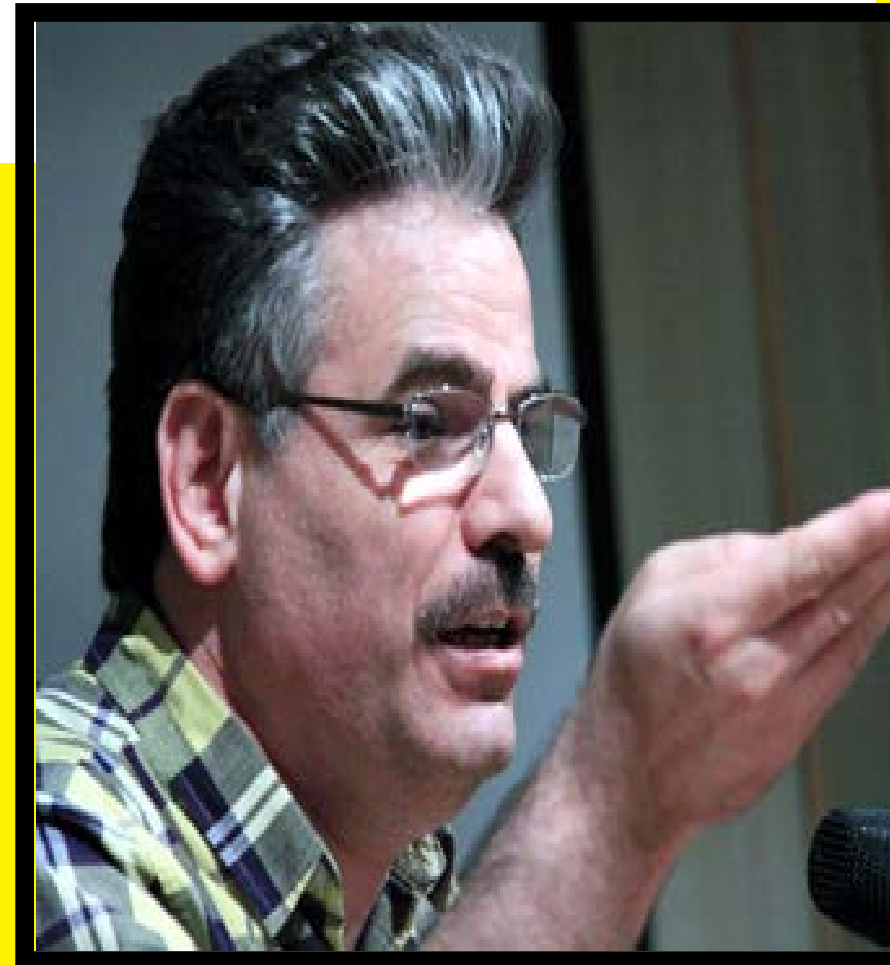
کثرت زبان به این معنا نیست که جامعه ایران وحدت ندارد بلکه وحدت در عین کثرت آرمان جامعه ایران است. این تنوع زبان تنوع در شیوه‌های زندگی اجتماعی است که زندگی را جالب می‌کند، مانع از یکنواختی زندگی می‌شود. در محیط‌های چند زبانی هستند در این محیط‌ها پویایی و خلاقیت بیشتر است. اگر این چند زبانی را در لباس و غذا و ... باشد این خلاقیت و تاثیرات آن بیشتر است.

چند زبانی و چند فرهنگی یک راه زیستن جمعی پویا است. چرا زبان را از بین نبریم و فقط یک زبان داشته باشیم؟

ما باید کمک کنیم که این تفاوت‌ها باشد و باید یاد بگیریم به این تنوع‌ها احترام بگذاریم.

آرمان اصلی انسان شناسی احترام به تنوع بودن است. همان چیزی است که در دین اسلام آمده است و این تنوع و تفاوت‌ها ودیعه‌های الهی است که خداوند در میان انسان‌ها قرار داده است.

کشتن یک زبان فقط کشتن یک زبان نیست بلکه تصاحب حقوق



جمعی دیگران است. برای همین انسان شناسان تلاش برای مبارزه دارند.

انسان شناسان زحمت‌های بسیاری کشیدند که مانع از بین رفتن زبان‌ها بشوند. شما در ایران نیز بسیاری افراد هستند که تلاش می‌کنند و عمر خود را برای جلوگیری از بین رفتن تفاوت‌ها شوند. مانع از منسوخ شدن زبان و پوشش و ... را بگیرند.

زبان و ذخیره تاریخی

یکی از کارکردهای زبان تولید پیام است اما کارکردهای دیگر هم دارد: ذخیره تاریخی تجربه‌ها. لزومی ندارد همه انگلیسی زبان باشند، زبان انگلیسی آلمانی فارسی و... چند هزار سال تجربه ذخیره شده دارند.

فهم مشترک این نیست که زبان را از بین ببریم اتفاقا با وجود تفاوت

زبان‌ها است که این فهم مشترک به وجود می‌آید. احتمال فهم مشترک بیشتر است فهم مشترک وقتی به وجود می‌آید که این تفاوت‌ها وجود داشته باشد. باید چیزی باشد تا درباره آن گفتگو کرده و تفاهم مشترک به وجود آید. اگر عین هم برداشت و احساس داشته باشیم چیزی وجود دارد که بخواهیم مبادله کنیم. یک چیزی باید باشد که گفتگو کنیم!

اگر زبان و فرهنگ‌ها را یکی کنیم دیگر چیزی وجود ندارد تا آن‌ها رد و بدل کنیم. مانند داستان جنسیت است تفاوت جنسی مهم است چون امکان ارتباط را به وجود می‌آورند. تفاوت‌های جسمی مهم هستند چون امکان ارتباط بین دو آدم را به وجود می‌آورند. چیزی وجود دارد تا بادیگری وارد تعامل شوم. بحث فقط لذت جنسی و تولید نسل نیست بحث بر اثر مجموعه‌ای از آورده‌های اجتماعی اخلاقی و ... است که دو جنس با تفاوت‌شان می‌توانند ارتباط و تعامل داشته باشند.

در جامعه اروپا یکی از بحران‌هایی که به وجود آمده است این است که تفاوت‌های مردانگی و زنانگی کم رنگ شده و این به جایی منجر می‌شود که به هم جنس گرایی و یا گسترش خشونت می‌شود.

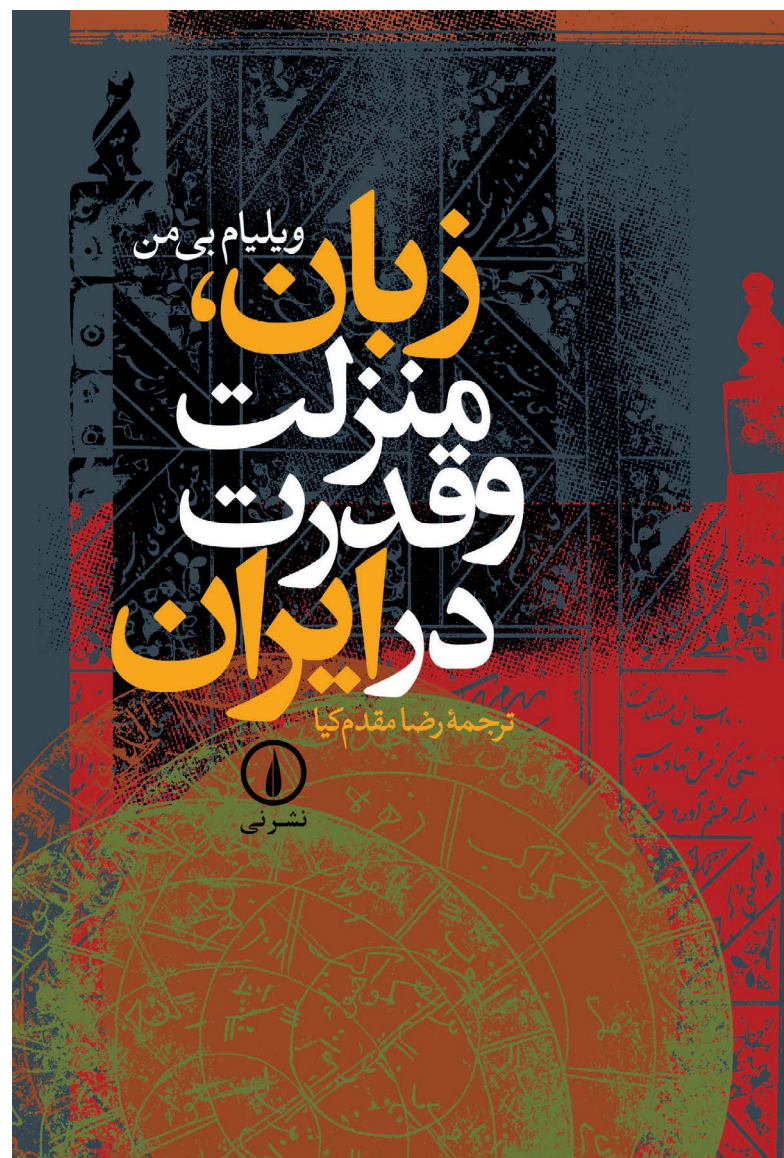
زبان و تاثیر در مفاهیم

تاثیر زبان تنها انتقال پیام نیست بلکه شکل دادن مفاهیم هم است و اگر در زبان مفاهیمی وجود نداشته باشد ادراک از آن نیز به سختی شکل می‌گیرد.

دامنه واژگان لغات انگلیسی دوازده میلیون واژه و دامنه لغات فارسی سه میلیون واژه است و معنای آن این است که نه میلیون واژه بیشتر داشته و مردم می‌توانند با ۱۲ میلیون واژه بیندیشند و به همین خاطر توانایی و قدرت انتزاعی آن‌ها بالا است. درک آن‌ها انتزاعی‌تر و مفهومی‌تر است. امکان مانور ایجاد می‌کند.



زبان، منزلت و قدرت در ایران



در حوزه زبان شناسی و به ویژه مطالعات موردی در ایران، کتاب «ویلیام بی من» یکی از شاهکارهای موجود می‌باشد. در این جا معرفی کتاب را به قلم «رضا مقدم کیا»، مترجم کتاب «زبان، منزلت و قدرت در ایران» می‌خوانیم:

زبان را در یک بافت فرهنگی - اجتماعی خاص چگونه باید مطالعه کرد؟ رابطه زبان با دیگر نظام‌های نمادین فرهنگی چیست؟ آیا باورها، مفروضات و الگوهای بنیادین فرهنگی جامعه بر کاربرد زبان از سوی آحاد آن جامعه تأثیر می‌گذارد؟ گویندگان زبان با توجه به چه ملاحظاتی و چگونه رفتار خود را صورت‌بندی می‌کنند و شنوندگان چگونه و با توجه به چه عواملی گفتار گویندگان را تعبیر می‌کنند و به معانی و منظور آن‌ها پی می‌برند؟ آیا این حقیقت دارد که گویندگان زبان می‌توانند با کاربرد بان واقعیت را دگرگون کنند و آن‌گونه که خود می‌خواهند جلوه دهند، یعنی با زبان جادوگری کنند؟

کتاب حاضر که حاصل تحقیقی میدانی است به این سؤال‌ها و بسیاری پرسش‌های دیگر که ممکن است در ذهن شما شکل بگیرد پاسخ می‌دهد و علاوه بر آن نشان می‌دهد که ایرانیان به‌طور خاص از چه تمهیدات و راهبردهای زبان برای تمشیت مرادوات و تعاملات روزمره استفاده می‌کنند و زبان فارسی چه ابزارها و امکاناتی دارد که تحقق کنش‌های ارتباطی مورد نظر گویندگان را تسهیل می‌کند.

زبان و

نقش اجتماعی

مروری کوتاه بر سرفصل موضوعات رابطه زبان و نقش‌ها



زبان و قومیت

یکی از پدیده‌های چشمگیر در جوامع پیچیده استفاده قومیت‌ها از گویش یا حتی زبان مخصوص به خود است که در بعضی موارد از جهت واژگان، تلفظ و حتی دستور زبان با زبان ملی متفاوت‌اند.

در این حالت یک صورت زبانی، یعنی گویش گروه اجتماعی و سیاسی مسلط، معمولاً زبان معیار به شمار می‌آید. در جوامع معاصر، رسانه‌های همگانی مانند رادیو، تلویزیون و روزنامه زبان معیار را تقویت می‌کنند.

زبان شناسان وجود «هویت اجتماعی» را در پشت تفاوت‌های زبان شناسی تشخیص داده‌اند.

نقش‌های جنسیتی

تمایزهای جنسیتی که فرهنگ آنها را تعیین می‌کند، ساختار کاربرد زبان را نیز مشخص می‌سازد. این تفاوت‌ها شامل دقت در ادای حروف و تکه کلام‌ها می‌شود.

تفاوت‌های زبانی زن و مرد در بسیاری از زبان‌های غیر اروپایی، حتی از این هم نمایان‌تر است، ضمن آن‌که هر دو جنس آداب نزاکت خاصی را در گفتارشان رعایت می‌کنند.

رسمیت و عدم رسمیت

قلمرو دیگر زبان شناسی اجتماعی، زمینه‌ای است که گفتار در آن رخ می‌دهد. موقعیت‌ها ممکن است بسیار رسمی یا غیر رسمی باشند و درجه رسمیت موقعیت‌ها بر گزینش واژه‌ها و عناوین خطاب و در برخی موارد، حتی گزینش زبان نیز تأثیر می‌گذارد.

منزلت اجتماعی

منزلت رابطه‌ی نزدیکی با رسمیت دارد. در واقع بیشتر زبانها برای تفاوت‌های منزلت و رسمیت رابطه نشانه‌های یکسانی را به کار می‌برند. هرچند که این دو همیشه همخوان نیستند.

نویسنده: ویلیام بی من
مترجم: رضا مقدم کیا
ناشر: نشر نی

ویلیام بی من

زبان، منزلت وقدرت دراپران

ترجمہ رضا مقدم کیا



نشرنی

ہسپان مشدخت
سنی کر من تمامہ پ
ند کہ حتم آورد و ش